

## 28 اسد روز استرداد استقلال افغانستان است

### تجلیل از این روز وجیبه ملی ما است!

روز 28 اسد/مطابق 18 اگست (در برخی سالها برابر 19 اگست) ، روز اعلام استرداد استقلال کشور ماست. این روز، برای افغانهای آزادیخواه ، وطنپرست و حریت پسند ، یک روز میمون و بس عزیز است. و گرامی داشت از این روز، یک وجیبه و یک فریضة ملی بشمار میرود. اعلام استرداد استقلال کشور، در ۹۶ سال قبل از امروز، نه تنها برای ما افغانها بسیار با ارزش است، بلکه برای برخی از کشورهای آسیائی و آفریقائی نیز الهام بخش بود و جنبش های آزادی طلبی را در مستعمرات انگلیس مهمیز زد.

با تأسف و دریغ باید گفت که در سالهای حاکمیت تنظیمها و طالبان و همچنان در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی، تجلیل از روز 28 اسد، خیلی بی رنگ و کم اهمیت شده بود و حتی در سال 2008 به سفارت های افغانستان رسماً خبر داده شد تا از این روز تجلیل بعمل نیاید، ولی در عوض از روز ترور احمدشاه مسعود در کابل و تمام ولایات کشور و همه سفارت های افغانستان تجلیل بعمل آمد و در این راه میلیونها افغانی از جیب ملت گرسنه افغانستان برای ثناگوئی احمدشاه مسعود صرف شد.

هیچ روزی و هیچ تجلیلی نمیتواند جای روز 28 اسد (روز اعلام استرداد استقلال کشور) را بگیرد و هیچ مقامی بجز لویه جرگه افغانستان حق ندارد بر بزرگترین روز افتخار و سربلندی ملت افغان خط بطلان بکشد و آنرا از تقویم روزهای بزرگ ملی براندازد و جای آنرا به کسی دیگر بدهد.

در همان هنگام وطن پرستان و استقلال طلبان افغانستان نسبت به این تصمیم دولت کرزی ، صدای اعتراض بلند نمودند و با نوشتن مقالات مستدل و مستند، این اقدام دولت را محکوم و نکوهش کردند. آن نوشته های البته تأثیر معین خود را بر سرکانداران دولت وارد ساخت و بعد از آن بمناسبت 28 اسد، روز استقلال کشور، لا اقل با قرانت بیانیه ای از سوی رئیس جمهور و گذاشتن اکلیل گل در پای منار یاد بود استقلال بجا آورده شد.

معلوم نیست که دولت وحدت ملی ، بر هبری داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله امسال در تجلیل از این روز بزرگ چگونه عمل میکند، آیا نا امنی و جنگ در کشور را بهانه خواهد آورد و از یاد بود این روز بزرگ تاریخی حتی در زیر سقف تالار وزارت دفاع یاد نمیکند یا اینکه بهتر از حامد کرزی از این روز تجلیل خواهد کرد؟!

تا کنون که یک روز به 18 اگست مانده است، در هیچ یک از رسانه های شنیداری و تصویری داخلی خبری از کدام نشستی در نهادهای تحصیلی و علمی و نظامی کشور به منظور تجلیل از روز استرداد استقلال کشور شنیده و دیده نمیشود. بنابراین باید تا روز 28 اسد ، روز اعلام استرداد استقلال کشور، منتظر بود و دید که آیا رهبران حکومت وحدت ملی از این روز با حرمت تکریم و تجلیل خواهند کرد یا باز هم بهانه ای خواهند تراشید و از تجلیل این روز بزرگ ملی که پدران ما با ریختن خونهای پاک خود آن افتخار را بدست آورده اند ، صرف نظر خواهند نمود؟

باید یاد آور شد که در تمام کشورهای آزاد جهان، روزهای ملی و استقلال شان هر ساله با مراسم خاصی تجلیل میشود و در کشور ما نیز در عهد اقتدار هر زمامداری تا کودتای ثور ، از این روز با برپائی یک هفته جشن بگونه شکوهمندی تجلیل شده و مردم در این جشنها ابراز شادمانی میکردند. زیرا تجلیل از روز 28 اسد، تجلیل از ثمره خونهای ریخته شده فرزندان شریف این خاک برای استرداد استقلال افغانستان است. و باید با نیت قدر شناسی از جانبازی های آن فرزندان وطن، این روز را تجلیل کرد و گرامی داشت.

با تأسف فراوان باید گفت که نه تنها فرمان روایان فعلی کشور به افتخارات گذشته ما، به فداکاری های پدران و نیاکان ما واقعی نمیگذارند، بلکه از همفکران و همزمان شان که با اعمال نا بخردانه خویش فاجعه ها آفرینند، رستم زمانه تراشیدند، جاده ها و چهار راهی ها را به نام آنها مسمی ساختند، القاب قهرمان ملی و مارشالی دادند بلکه عده ای از قلم بدستان و تحصیل گران ما با برگزاری مراسم باشکوه هم در داخل و هم خارج کشور از سال روز درگذشت آنها تجلیل به عمل می آورند. ... [1]

## دوسه روز ارجناک دیگر:

بخاطر باید داشت که در پیوند با استقلال کشور، دو سه روز دیگر نیز از روزهای پرهیجان و ارجناک برای مردم افغانستان بشمار میرود: یکی روز (24 **فبروری**) است. روان شاد غبار مینویسد: پس از آنکه شهزاده امان الله جوان در ارگ شاهی از بیعت به امیر نصرالله خان (عموی خود که یکروز قبل در جلال آباد بجای امیر حبیب الله خان اعلام پادشاهی کرده بود)، انکار کرد خطاب به حاضرین مجلس در ارگ گفت: «شهادت امیر به تحریک کسی است که خود طالب سلطنت است (منظور او نایب السلطنه بود)، لہذا من بدستان خون آلود بیعت نمیکنم و به تنهایی برای گرفتن انتقام حاضرم. کسی که با رأی من موافق است به دست راست من بایستد.»

نخستین کسی که به حمایت از شهزاده امان الله ازجا بلندشد، صالح محمد خان نایب سالار قوماندان لوی اول سپاه کابل بود که از میان رجال نظامی برخاست و پهلوی امان الله خان قرارگرفت و به تعقیب آن سایر رجال نظامی و دولتی از شاه جوان حمایت و اظهار بیعت کردند.[2]



غبار علاوه میکند: روز بعد شاه در اجتماع بزرگ شهریان کابل حاضر گردید و نطق تاریخی خود را بیان کرد. اهالی کابل و افراد سپاه در میدان مراد خانی در برون ارگ تجمع کرده بودند و بی صبرانه انتظار ورود شاه جوان را میکشیدند. امان الله خان درحالیکه یونیفورم رسمی عسکری به تن، موزه های بلند به پا و شمشیر برهنه در کمر داشت سوار بر اسب از ارگ شاهی برآمده، تنها و بدون محافظ، دلیرانه و خودمانی به داخل جمعیت بزرگ مردم درآمد. او در همین روز و در برابر جمعیت عظیمی از مردم، بیانیه تاریخی و مهمش را ایراد نمود و استقلال داخلی و خارجی افغانستان را اعلام و تأمین برادری، برابری، عدالت و خدمتگزاری صادقانه برای ملت افغانستان را وعده داد.

### شاه امان الله در لباس سربازی هنگام اعلام

#### پادشاهی در 24 فبروری 1919 در مرادخانی کابل

غبار در این مورد می افزاید: " ... 24 فبروری مردم کابل و قشون پایتخت در میدان مرادخانی اجتماع بزرگ نمودند، امیر امان الله خان سواره و تنها در بین جمعیت داخل شد درحالیکه شمشیر برهنه در کمر آویخته بود، در همین جا بود که او نطق مشهور و تاریخی خود را نمود، او استقلال خارجی افغانستان و آزادی فردی را در داخل کشور اعلان کرد و از مساوات و برادری و برابری، آزادی ملت و تأمین عدالت و صداقت دولت جدید حرف زد. غریو شادی و تهنیت از جمعیت برخاست. . . «[3] این سخنان شاه آزادی خواه از جانب شهریان کابل و سربازان و افسران اردو با غریو و نعره های الله اکبر، وزنده باد امیر امان الله! بدرقه شد.

## **28 فبروری = 9 حوت 1297 (روز تاجگذاری شاه امان الله)**

روز ۲۸ فبروری 1919 (= ۹ حوت ۱۲۹۷ ش) روز پر ارج دیگری است که شاه امان الله خان، در آن روز در مسجد عیدگاه کابل تاج پوشی نمود. امان الله خان پیش از آنکه حضرت شوربازار، تاج سلطنت را بر سر او بگذارد، اظهار کرد: **این تاج را بشرطی بصرمی گذارم که استقلال کامل کشور را حاصل کنم!**

سپس خطاب به شهریان کابل گفت: « اول بر همه رعایای صدیق ملت نجیبه خود این را اعلان و بشارت میدهم که من تاج سلطنت افغانیه را بنام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام. » [4] شاه ضمن بیانات پرشور خود گفت: «ملت عزیز من! من این لباس سربازی را از تن بیرون نمی کنم تا که لباس استقلال را برای مادر وطن تهیه نسازم! من این شمشیر را در غلاف نمی کنم تا که غاصبان حقوق ملت را به جای خود نشانم! ای ملت عزیز و ای سربازان فداکار من! بیاورید آخرین هستی خود را برای نجات وطن، بیایید تا که سرهای پر غیرت خود را برای خلاصی وطن فدا سازیم!» [5]

آقای پیکار پامیر از قول داکتر عبدالرحمن حکیمی یکی از نخستین شاگردان دوره اول فاکولته طب کابل چنین

روایت میکند: "خوب بخاطر دارم که [علیحضرت امان الله خان] تمام مردان روشناس پایتخت را در مسجد جامع عید گاه جمع کرد و از فضایل استقلال حرف زد. تاج شاهی او را در مسجد گذاشته بودند، اشاره به آن نموده گفت که این تاج را امپراتور انگلستان زیر دست خود میداند و من افغان و مسلمانم و تاج شاهی را تا آنوقت بسر خود نمیگذارم که با همت و شجاعت شما قوم غیور افغانستان استقلال و آزادی افغانستان را باز بدست نیارم. بعد ازین بیانیة شورانگیز، پسرخود (شهزاده هدایت الله) را بدست گرفته و بلند کرد و گفت: **خون این طفل معصوم را فدای حصول استقلال مینمایم و بعد شمشیر خود را از غلاف کشیده و فرمود که این شمشیر را در غلاف نمیگذارم تا شرافت افغانستان را باز حاصل نکنم...**" [6]

علیحضرت امان الله خان دوازده روز بعد از جلوس رسمی خود بتاریخ 21 برج حوت 1297 شمسی مطابق 11 مارچ 1919 میلادی به نماینده خود در هند برتانوی فرمانی صادر کرد که: منبع افغانستان از نگاه سیاست داخلی و خارجی آزاد و مستقل میباشد. مردم افغانستان با امان الله همدست شده اند تا انتقام پدر را از قاتل بگیرند و این قاتل همان دشمن تاریخی استقلال افغانستان است، مردم نجیب افغانستان باید آزاد باشد و هیچکس تحت فشار و ستم نباشد و قانون باید در افغانستان حکومت کند و قانون مطابق به احکام حکم دین مقدس اسلام باشد. [7]

**روز 13 اپریل** نیز از روزهای پراهمیت تاریخی برای افغانها است. شاه امان الله در این روز، مجلسی در دربارکابل، شامل دیپلماتان خارجی و بزرگان و مشران ملکی و نظامی کشور برگزار، و در آن روز استقلال افغانستان را با این جملات اعلام کرد:

"من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلان نمودم. بعد از این کشورما، مانند سایر دول و قدرتهای جهان، آزاد است و به هیچ نیروی، به اندازه یک سر موی اجازه داده نمی شود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نماید و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را با این شمشیر خواهم زد." و سپس رو بجانب سفیر انگلیس (نجف علی) نموده پرسید: «آنچه گفتیم فهمیدی!» «سفیر انگلیس با احترام و تعظیم جواب داد: «بلی فهمیدم.»» [8]

به قول "ریه تالی ستیوارت"، مؤلف کتاب «آتش در افغانستان»، "انگلیس ها، روز ۱۳ اپریل ۱۹۱۹ را، سیاه ترین روز در تاریخ امپراطوری بریتانیا میدانند. [9]" زیرا در روز ۱۳ اپریل تظاهرات عظیمی در شهرهای مختلف هند، از جمله در پشاور، بمبئی، لاهور، دهلی و سایر شهرهای هند برآه افتاد که در آن تصادماتی با افراد پولیس و عساکر استعمارگران رخ داد. در این روز شهر امرتسر دو هزار کشته و چندین هزار مجروح برجای گذاشت که واقعاً تکانهنده بود. [10]

وقتی امان الله خان از این کشتاروحشیانه استعمارگران مطلع شد، در محکوم کردن آن در اخیر اپریل مجلسی ترتیب داد و با یادآوری از قتل عام مردم هند در لاهور، دهلی، جلالیان و الایاخ امرتسر، اشک ریخت و مردم را به جهاد علیه انگلیس دعوت کرد. مردم آزادی خواه افغانستان به صدای برحق شاه جوان خود لبیک گفتند و تاسوم می ۱۹۱۹ خود را برای سومین نبرد رهایی بخش آماده کردند. یک سیاستمدار انگلیس بنام "جورج روزکیپیل" در ۴ جون ۱۹۱۹ نوشت: "امان الله خان آتشی را برافروخت که مدتها را دربر خواهد گرفت تا ما آنرا خاموش کنیم." [11]

واقعیت همین بود که امان الله خان آتش آزادی خواهی و استقلال طلبی را در قلمرو امپراطوری بریتانیا شعله ورساخته بود که تا پارچه پارچه شدن امپراطوری انگلیس همچنان فروزان بود.

مردم افغانستان در تحت رهبری زعامت جوان ودلیرخود شاه امان الله، نخستین مردمی بودند که باقوی ترین قدرت استعماری وقت، یعنی انگلیس که آفتاب در قلمروش غروب نمیکرد، قهرمانانه رزمیدند و سرانجام انگلیسها را وادار به قبول متارکه جنگ و مذاکره برای استرداد استقلال کشور خود ساختند. نتیجه منطقی این مذاکرات پیمان صلحی بود که در ۱۸ اگست ۱۹۱۹م مطابق (۲۸ اسد ۱۲۹۸ش) به توشیح شاه جوان و بیدار افغان رسید و افغانها از آن پس **همین روز ۲۸ اسد/مطابق 18 اگست** را روز استرداد استقلال خود شناختند و آن را هر ساله گرامی میدارند.

بخاطر جاودانگی نام شهدای راه آزادی و استقلال کشور، شاه امان الله غازی دستور داد تا بنیهای شکوهمند طاق ظفرو رواق سپاهی گمنام در پغمان ساخته شوند. تا فرزندان آن جان باخته گان به نام و کارنامه های فراموش ناشدنی نیاکان آزادی دوست خویش در برابر استعمار به خود ببالند و با سرهای پراز غرور و عشق به آزادی و استقلال از میهن خویش در برابر هر متجاوز و هر زورگونی مثل نیاکان باشرف خود بایستند و از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خویش دفاع نمایند و نگذارند که بیگانگان بر آنان حکم برانند و امر و نهی کنند.



### طاق ظفر وبنای سپاهی گمنام در پغمان

پس از استرداد افغانستان، مصریان شاه امان الله را ستاره شرق لقب دادند و مسلمانان هند، شاه امان الله را پادشاه خود می دانستند، به همین خاطر جنبش هجرت در هند بر تانوی به حرکت آمد و تعداد بسیاری از هندیهای آزادی طلب، راه افغانستان در پیش گرفتند که در آنجمله یکی هم خان عبدالغفار خان و دیگری ابوالکلام آزاد بود. [12] حضور نمایندگان آزادی خواه و انقلابی هند در کابل و اوج گیری شورش های مردم قحطی زده هند در شهر های لاهور و امرتسرو دهلی و پشاور و تحریکات قبایل سرحدی بر ضد انگلیس از جانب شاه امان الله، عواملی بودند که خشم و کینه استعمار انگلیس را نسبت به امان الله خان قمچین میزد.

مردم هند در تحت رهبری حزب کانگرس، بالاخره در 15 اگست ۱۹۴۷، یعنی ۲۸ سال بعد از حصول آزادی کشور ما موفق گردیدند یوغ استعمار انگلیس را از گردن خویش بدور اندازند و به کسب استقلال خود نایل آیند، اما متأسفانه که استعمار، با آنکه خون این کشور را بیش از سیصد سال مکیده بود، و رمقی برای حیات مردم فقیر نگذاشته بود، قبل از برسمیت شناختن استقلالش، غدارانه آخرین ضربت خود را نیز بر آن وارد کرد و کشور دیگری از بدنه اش با نام "پاکستان" جدا کرد تا نیات شومش را در وجود این مولود ناپاک در منطقه عملی کند. حل نکردن مسئله کشمیر و بی توجهی نسبت سرنوشت سی-چهل میلیون پشتون در آنسوی مرز دیورند، از جمله آن عملکردهای زشت استعماری است که نه تنها پیکر هند بزرگ را مصاب به سرطان بنیادگرائی و جنگ های مذهبی کرد، بلکه این مسئله چون غده چرکین سرطانی خواب راحت را از مردم افغانستان نیز ربوده است.

خلاصه، روز ۲۸ اسد ۱۲۹۸ ش (۱۸ اگست ۱۹۱۹م)، از آنجهت نزد افغانها پراج وگرامی است که اعلیحضرت شاه امان الله، پیمان صلح راولپندی را (که حاکی از برسمیت شناختن استقلال کشور بود)، طی محفلی در قصر زرنگار کابل توشیح کرد و با توشیح آن فصل جدیدی در تاریخ سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور رقم خورد. افغانها این روز را سخت گرامی میدارند، زیرا که خونهای ریخته شده پدران و نیاکان شان بالاخره ثمر داد و این ثمر همانا استقلال کامل سیاسی کشور بود. نام اعلیحضرت غازی امان الله خان، با استقلال کشور پیوند گسست ناپذیر دارد و بی حرمتی به شخصیت او، در واقع بی حرمتی به استقلال و آزادی کشور است، زیرا مردم افغانستان در تحت زعامت و درایت آن غازیمرد وطن پرست خونهای پاک خود را برای استرداد استقلال ریختند تا آنرا از کام استعمار به دست

آوردند. مقام والای این رهبر وطنپرست و این شخصیت سیاسی افغان را، پس از گذشت ۹۲ بعد از حصول استقلال، میتوان همین اکنون هنگام شنیدن خاطرات بزرگان و ریش سفیدان هموطن به وضاحت تمام درک کرد و به محبوبیت معنوی او در میان ملت پی برد. مردم حق شناس افغانستان، کاملاً حق دارند تا با تدویر محافل بزرگداشت از استقلال کشور از آن شاه مرحوم ابراز سپاسگزاری کنند.

جناب محمد نسیم اسیر، ملک الشعراء افغانستان در غربت به مناسبت روز استقلال و شاه امان الله غازی احساسات قلبی خود را در غزلی چنین ابراز نموده است:

### امان الله غازی، سالار آزادی

بنام قوم افغان را که با پیکار آزادی  
سرشته در خمیرش از ازل اوج سرافرازی  
اگر سر برفلک سایید ز فخر، امروز می زبید  
بنام است این که افغان تُو روتلوار دگر دارد  
به عزم جزم او کاخ جهانخواری فرو افتاد  
جهان گرچه به سختی بار بارش امتحان کرده  
سر عزت رساند بر فلک آن مرد جانبازی  
ظفر مند است افغان تا بود طاق ظفر برپا  
سری گر داشتیم یکسر به قربان وطن کردم  
«امان الله غازی» را از آن تکریم باید کرد  
که پیش آهنگ نهضت باشد و سالار آزادی

نسیم ارچند "اسیر" غربت افتادی بروخوش باش

که باشد فرش راهت نعمت سرشار آزادی

پایان

### منابع و مأخذ:

- [1] - دفاع از استقلال وجیبه ملی ماست، مجموعه مقالات، از من، چاپ دانش، 2013، مقاله دوم
- [2] - غبار، در مسیر تاریخ، 743
- [3] - غبار، همانجا
- [4] - داکتر اسدالله حبیب، دوره امانی، ص ۱۰
- [5] - حاکمیت قانون، ص ۸ مقدمه، بقلم حبیب الله رفیع
- [6] - پیکار پامیر، ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان، فصل چهارم
- [7] - داکتر کاظم: فرهنگ کابل باستان، تألیف عزیزالدین فوفلزائی، چاپ کابل، 1387، جلد دوم، صفحه 849 تا 860 )
- [8] - نگاهی به چندسند تاریخی، افغان جرمن آنلاین (2012)
- [9] - دلبلیو، ادمک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان، ترجمه زهما، ص ۶۵.
- [10] - ریه تالی ستیوارت، آتش در افغانستان، ترجمه کوهسار کابلی، ص ۱۱
- [11] - نفتولاخلیفین، انگستان بر ضد افغانستان، مسکو ۱۹۸۴، ص ۱۸۷، نیز: غبار، ص ۷۵۰
- [12] - آتش در افغانستان، صص ۱، ۱۲
- [12] - فضل غنی مجددی، افغانستان در عصر اعلحضرت امان الله خان، چاپ 1997؛ ص ۳۳۰

---

---

شهباز عمرانی شاه امان الله خان و تبهکاری های تنظیم های جهادی



قصر دارالامان، از ساخته های اعلیحضرت شاه امان الله قبل از تخریب



قصر دارالامان تا سال 1992 همچنان باشکوه بود، مگر در عهد حکومت ربانی در حالی که نه مرکز فرماندهی مسعود بود و نه مرکز فرماندهی حکمیتار، اما مطابق دستور آ آی، توسط نیروهای حزب اسلامی و جمعیت اسلامی ویران گردید؟؟